

رویکرد ترکیبی در پژوهش‌های علوم انسانی: چالش‌ها و فرصت‌ها Mixed Approach in Humanities Researches: Challenges and Opportunities

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۰۵/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۱۵

Hamid Rahimi (Ph.D)
Seyyed Ali Siyadat (Ph.D)
Raziye Aghababae

دکتر حمید رحیمی *
دکتر سید علی سیادت **
راضیه آقابابایی ***

Abstract: The use of mixed approach is undergoing a remarkable increase day by day. Researchers are continually seeking solutions in order to perform research projects and cognition issues complexities. The purpose of the present research is studying challenges and opportunities of mixed approach in humanities researches. Research method was librarian and information collection tool included domestic and international books and journals. The results of the study suggest that the use of this approach is to better understand the research issues in humanity sciences. Some of research domains such as educational and managerial areas need this approach more than other areas due to their inherent and environmental complexities.

Key words: Quantitative approach, Qualitative approach, Mixed Approach, Humanity Sciences, Challenges, Opportunities.

چکیده: استفاده از رویکرد ترکیبی روز به روز در حال افزایش است. محققان به طور مداوم در پی رهیافت‌هایی به منظور انجام پژوهش‌ها به بهترین شکل ممکن و شناخت هرچه بیشتر پیچیدگی‌های مسائل می‌باشند. هدف تحقیق حاضر تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های رویکرد ترکیبی در پژوهش‌های علوم انسانی است. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات شامل کتب و مجلات داخلی و خارجی است. نتایج نشان داد، لزوم استفاده از این رویکرد به منظور فهم بهتر مسائل مورد پژوهش در علوم انسانی می‌باشد. بعضی از حیطه‌های پژوهش مانند تحقیقات تربیتی و مدیریتی به دلیل پیچیدگی‌های ذاتی و محیطی بیشتر از سایر حیطه‌ها نیازمند استفاده از این رویکرد می‌باشند.

واژگان کلیدی: رویکرد کمی، رویکرد کیفی، رویکرد ترکیبی، چالش‌ها، فرصت‌ها

* استادیار دانشگاه کاشان (مسئول مکاتبات: hamid_rahimi_1982@yahoo.com)

** دانشیار دانشگاه اصفهان

*** دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه اصفهان

مقدمه

علوم انسانی سرشتی راهبردی و برنامه‌ریز دارد و با فراهم کردن امکان شناخت انسان و جامعه، به یک تعبیر، شالوده و سنگ بنای تحولات سایر علوم محسوب می‌شود. نیروی محرکه تحقیق و تفحص در تمام علوم، انسان‌ها هستند و اجتماع انسانی است که به کشف مجهولات در حوزه علوم طبیعی و علوم پایه معنا می‌دهد و از همین روست که تحقیق پیرامون انسان و جامعه، ملزم به استفاده از تمامی فنون پژوهش است.

بحث پیرامون پارادایم‌ها برای تحقیق و توسعه در علوم انسانی بسیار مفید بوده است. دو الگوی اثبات‌گرایی^۱ و تفسیرگرایی^۲ که در دو طرف پیوستار پارادایمی قرار می‌گیرند، بهترین نمایندگان طرز فکر و تلقی از علوم انسانی هستند که از نظر تاریخی ریشه‌های بحث در این باره به دوران نیمه دوم قرن نوزدهم باز می‌گردد و باب بحث در این مقوله تاکنون باز بوده است. بحث پیرامون این دو پارادایم به بحث و جدال میان روش‌های کمی و کیفی تقلیل یافته است (تدلی^۳ و تشکری^۴، ۱۹۹۸).

در قرن نوزدهم رویکرد کمی در پژوهش رواج داشته است، در سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰ رویکرد کیفی در قبال کاستی‌های رویکرد کمی در پژوهش‌های علوم انسانی مورد توجه قرار گرفت و از دهه ۱۹۶۰، ترکیب رویکردهای کمی و کیفی در یک پژوهش مطرح شده است. امروزه روش‌های پژوهش کمی در علوم انسانی، به دلیل مبانی اثبات‌گرایی، پیچیدگی مسائل انسانی و تفاوت علوم انسانی با علوم طبیعی، مورد نقد قرار گرفته‌اند (امزیان، ۱۳۸۷). در علوم انسانی با فهم و تأویل و در علوم طبیعی با توصیف و تبیین سروکار داریم (صدوقی، ۱۳۸۶). به همین دلیل، پژوهشگران از روش‌های کیفی به جای روش کمی استفاده می‌کنند (عابدی، ۱۳۸۵). برخی نیز روش «هرمنوتیک» را مناسب پدیده‌های انسانی معرفی کرده، دستیابی به اهداف جهان‌شمول،

۱. Positivism

۲. Interpretivism

۳. Teddlie

۴. Tashakkori

تمایز علوم انسانی از طبیعی و توجه به تمامیت و کلیت انسان را از مزایای آن برشمرده‌اند (بدری، ۱۳۸۶).

اما طرفداران روش‌های کمی چالش‌هایی را در مورد روش کیفی ذکر کرده‌اند (خنیفر، ۱۳۸۶) ولی طرفداران روش‌های کیفی، ارزیابی مطالعات کیفی را با معیارهای موجود در روش کمی نامناسب می‌دانند و معیارهای جدیدی متناسب با این روش‌ها را مطرح می‌سازند. در عین حال، می‌توان معیارهایی را یافت که نقطه مشترک این دو روش به شمار می‌روند. از جمله این معیارها می‌توان به «قابل قبول بودن»، «انتقال‌پذیری»، «قابلیت اطمینان» و «تأییدپذیری» به منزله معیارهای مشترک بین روش‌های کمی و کیفی اشاره کرد (صدوقی، ۱۳۸۷).

از آنجا که روش کیفی نیز محدودیت‌های خاص خود را دارد و در مورد اعتبار، روایی و تعمیم‌پذیری نتایج آن انتقاداتی وجود دارد، برخی روش ترکیبی را مطرح ساخته‌اند و مزایای دو روش کمی و کیفی را در روش ترکیبی قابل جمع می‌دانند (نصر و شریفیان، ۱۳۸۶). روش ترکیبی با نام‌های «روش همگرا»، «چندروشی» و «زاویه‌بندی» (ترکیب روش‌ها در پدیده‌های یکسان) نیز خوانده می‌شود (ایمان، ۱۳۸۶). به طور کلی رویکردهای کیفی و ترکیبی پژوهش در شرایط کنونی مورد توجه واقع شده‌اند و استفاده از رویکرد ترکیبی روز به روز در حال افزایش است. نکته مهم چگونگی استفاده از این رویکرد، چالش‌ها و فرصت‌هایی است که با آن همراه است. لذا در این مقاله، ابتدا به لزوم استفاده از این رویکرد، الگوها و طرح‌های ترکیبی پرداخته و سپس به دو چالش این رویکرد و در کنار آن رهنمودهایی برای تبدیل این چالش‌ها به فرصت ارائه می‌شود. در این زمینه، روش کار و نوع تحقیق کتابخانه‌ای و بصورت اسنادی و ابزار گردآوری اطلاعات شامل کتب و مجلات داخلی و خارجی است.

رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی پژوهش

تحقیق کمی ریشه در پارادایم اثبات‌گرایی و رویکرد کیفی از پارادایم تفسیرگرایی نشأت گرفته است. پارادایم اثبات‌گرایی از طریق پنج مفهوم زیر تعریف می‌شود:

- هستی‌شناسی^۱: اعتقاد براینکه ماهیت حقیقت ساخته شده است.
- معرفت‌شناختی^۲: ماهیت دانش که از طریق عینیت حاصل می‌شود.
- اصل‌شناسی^۱: تحقیق، تحت تأثیر ارزش‌های محققان قرار نمی‌گیرد.

۱. Ontology

۲. Epistemology

- سبک: سبک نوشتاری رسمی.
- روند تحقیق: منطق قیاسی (آنوگ بوزی^۲ و جانسون^۳، ۲۰۰۴: ۱۷).
- پارادایم تفسیرگرایی با استفاده از موارد زیر شناخته می‌شود:
- نسبی‌گرایی^۴: حقیقت به صورت محلی و با همکاری افراد ساخته می‌شود.
- معرفت‌شناختی تبادلی^۵.
- روش‌شناختی هرمنوتیک: تجربیات محقق بر تحقیق اثرگذار است (لینکلن^۶ و گوبا^۷، ۲۰۰۵).

ترکیب رویکردهای کمی و کیفی تحت عنوان رویکرد ترکیبی از دهه ۱۹۶۰، جای خود را در حیطه‌های مختلف تحقیق علوم انسانی باز کرده است. استفاده محققان از رویکرد ترکیبی به منظور مد نظر قرار دادن پیچیدگی سئوالات تحقیق در علوم مختلف در حال تبدیل به شیوه‌ای متداول است (پلانوکلاک^۸، ۲۰۰۵). برگمن^۹ (۲۰۱۰) عنوان می‌کند تحلیل ابعادی تحقیقات ترکیبی می‌تواند در درک کدگذاری و کدبرداری مفاهیم یاری‌رسان باشد. همین تحلیل ابعادی از مفاهیم کلیدی نه تنها می‌تواند به طراحی بهتر سئوالات کمک کند، بلکه تحلیل و تفسیرها را هم جهت‌دهی می‌نماید (۶۶). به طور کلی رویکردهای کمی و کیفی و ترکیبی را با پارادایم‌های اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و عمل‌گرایی می‌توان در جدول زیر نشان داد (مورگان^{۱۰}، ۲۰۰۷: ۵۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. Axiology
2. Onwuegbuzi
۳. Jonson
۴. Relativism
۵. Co created
۶. Lincoln
۷. Guba
۸. Plano Clark
۹. Bergman
۱۰. Morgan

جدول (۱) مقایسه سه رویکرد پژوهش

رویکرد کمی	رویکرد کیفی	رویکرد ترکیبی	اطلاعات جمع‌آوری روش‌های
قیاسی ^۳	استقرایی ^۲	استقرایی - قیاسی ^۱	
عینیت ^۶	ذهنیت ^۵	ذهنی - عینی ^۴	
تمامیت ^۹	زمینه ^۸	قابلیت انتقال ^۷	

منبع: (مورگان، ۲۰۰۷)

لزوم استفاده از رویکرد ترکیبی در تمامی حیطه‌های علوم انسانی

محققان لزوم بکارگیری رویکرد ترکیبی در رشته‌های مختلف، رشته‌هایی که کمتر از این رویکرد سود می‌جویند، را مورد بحث قرار داده‌اند. در همین راستا، ترپ^{۱۰} و هولت^{۱۱} (۲۰۰۸) مقاله تحلیلی را تحت عنوان "روش‌های ترکیبی در مدیریت" به رشته تحریر درآورده‌اند. آنها عنوان می‌کنند مطالعات مدیریت به علت وجود سطح گسترده‌ای از سئوالات، وجود پارادایم‌های نظری از علوم مختلف و سطوح مختلف تجزیه و تحلیل، از ترکیب رویکرد کمی و کیفی سود بسیار می‌برند. ولی متأسفانه رویکرد ترکیبی در آنها عمومیت ندارد. سپس روند تحقیقی که در سال ۲۰۰۶ پیرامون میزان استفاده از رویکرد ترکیبی در مطالعات مدیریت انجام شده و این موضوع را تصدیق می‌کند بازگو می‌کنند. در این تحقیق، دو مجله سطح بالای مدیریتی به نام‌های فصلنامه علوم اداری (ASQ)^{۱۲} و آکادمی مجله مدیریت (AMJ)^{۱۳} مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق عبارت بودند از:

۱. Abductive

۲. Inductive

۳. Deductive

۴. Intersubjectivity

۵. Subjectivity

۶. Objectivity

۷. Transferability

۸. Context

۹. Generality

10. Thrope

۱۱. Holt

۱۲. Administrative Science Quarterly

۱۳. Academic Management of Journal

۹ - مقاله از (ASQ) و ۱۲ مقاله از (AMJ) رویکرد کمی؛
 ۳ - مقاله از (ASQ) و ۳ مقاله از (AMJ) رویکرد کیفی؛
 ۲ - مقاله از (ASQ) و ۲ مقاله از (AMJ) تجزیه و تحلیل کمی داده‌های کیفی؛
 ۲ - مقاله از (ASQ) و ۲ مقاله از (AMJ). در ابتدا رویکرد کیفی و سپس تجزیه و تحلیل کمی و در نهایت با توجه به نتایج تحقیق، محققان را به استفاده از این رویکرد ترغیب کردند (ص ۱۳۳).

در پژوهش‌های تربیتی هم همین بحث جریان دارد. کرسول^۱ و همکاران (۲۰۰۷) اعتقاد دارند که رویکرد ترکیبی فرصتی را برای فهم بهتر ماهیت چندگانه تحقیقات آموزشی در اختیار قرار می‌دهد و اظهار می‌دارند تحقیقات ترکیبی که بر رویکرد کمی تأکید دارند، قادر به روشن ساختن دلالت‌ها و زوایای موضوع و زمینه آن نیستند. بنابراین تحقیقات ترکیبی با بینش کیفی، نقش مهمی را ایفاء می‌کنند تا از طریق آن بتوان به پیچیدگی‌های ذاتی آموزش نایل گشت (هو،^۲ ۲۰۰۴: ۴۲).

در داخل کشور نیز تحقیقاتی در این زمینه انجام گرفته است. عابدی و شوخی (۱۳۸۸) در مقایسه روش‌شناسی کمی و کیفی در علوم رفتاری، معتقدند در حوزه علوم انسانی و رفتاری، انتخاب رویکرد انجام پژوهش بر پایه جهان‌بینی و چارچوب فکری است. پژوهشگران علوم انسانی و رفتاری از فلسفه علم در این علوم آگاهی چندانی ندارند و این امر باعث شده است که نقد و بررسی معرفت‌شناسی روش‌های پژوهشی در حوزه این علوم، چندان جدی گرفته نشود و حتی آن را کاری عبث بدانند. روش‌های پژوهش در علوم انسانی و رفتاری در دو رویکرد خردگرایانه یا کمی‌گرا و تفسیرگرایانه یا کیفی‌گرا قرار دارند، اما سکان پژوهش در کشور بر دوش کمی‌گرایی، استوار گردیده است. اما به باور بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران، دگرگونی‌های سریع اجتماعی و گوناگونی واقعیت‌های زندگی، روش‌شناسی‌های قیاسی سنتی یا روش‌های کمی، دیگر نمی‌توانند پدیده‌ها، روابط، تغییرات و ارزش‌ها را تأیید یا اصلاح نمایند.

بازرگان (۱۳۸۸) در کتاب «روش‌های تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای کند و کاو در مسائل نظام آموزشی» معتقد است پژوهشگر به طور ضمنی دیدگاه‌های فلسفی

۱. Creswell

۲. Howe

زیربنایی معرفت‌شناختی را مفروض دانسته و بر این پایه به انتخاب روش تحقیق می‌پردازد. به منظور پی بردن به مسائل و واقعیت عناصر تشکیل‌دهنده نظام‌های آموزشی، چهار دیدگاه نظری - فلسفی زیربنایی معرفت‌شناسی را می‌توان مدنظر قرار داد که این دیدگاه‌ها از نظر تعریف واقعیت پدیده‌ها و چگونگی دستیابی به شناخت درباره آنها متفاوت است. این دیدگاه‌ها شامل اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی، نظریه انتقادی و پساساختارگرایی است که درصدد پاسخگویی به سئوالات هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی است. پژوهش‌گری که روش‌های تحقیق کمی را بر می‌گزیند به طور ضمنی پارادایم اثبات‌گرایی را مبنای پی بردن به مسئله تحقیق قرار می‌دهد یعنی از طریق صورت‌بندی فرضیه‌ها و سئوالات تحقیق و استفاده از روش‌های توصیفی و آزمایشی درصدد شناخت پدیده‌های مورد مطالعه است. پژوهشگری که روش‌های تحقیق کیفی را بر می‌گزیند پارادایم تفسیرگرایی، انتقادی و پساساختارگرایی را مبنای پی بردن به مسئله تحقیق قرار می‌دهد.

حسینی (۱۳۸۹) معتقد است که ماهیت پژوهش در موضوعات میان رشته‌ای، تلفیقی است. روش‌شناسی ترکیبی مبتنی بر دیدگاه عمل‌گرایی است. در این دیدگاه، سئوالاتی که در تحقیق پرسیده می‌شود مهم‌تر از روش تحقیق است و پژوهشگران در استفاده از پیش‌فرض‌های کمی و کیفی در تحقیقات خود از آزادی عمل برخوردارند و تشویق می‌شوند که در راستای پاسخ به سئوال تحقیق از روش‌های چندگانه در جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها استفاده نمایند. مهم‌ترین چالش پژوهشگران در روش‌شناسی تلفیقی، نگرش واگرا در بین پژوهشگران است که توسعه بینش تلفیقی را با مشکل مواجه ساخته است.

شریفیان (۱۳۸۷) در نوع‌شناسی و فرایند طراحی و اجرای پژوهش ترکیبی، دو نوع‌شناسی اول (طرح‌های چند جانبه، گنجانده شده، تبیینی و اکتشافی) و نوع‌شناسی دوم (الگوی پژوهش ترکیبی و روش پژوهش ترکیبی) را مطرح کرد. برای طراحی و اجرای پژوهش ترکیبی سیزده گام را مطرح نمود: ۱- تعیین هدف کلی پژوهش؛ ۲- تدوین اهداف جزئی پژوهش؛ ۳- تعیین دلیل یا منطق ترکیب؛ ۴- تعیین هدف انجام ترکیب؛ ۵- تدوین سئوال‌های پژوهش؛ ۶- انتخاب طرح نمونه‌گیری؛ ۷- انتخاب طرح پژوهش؛ ۸- جمع‌آوری داده‌ها؛ ۹- تحلیل داده‌ها؛ ۱۰- اعتباربخشی به داده‌ها؛ ۱۱- تفسیر داده‌ها؛ ۱۲- تدوین گزارش پژوهش؛ ۱۳- تدوین دوباره سئوال‌های پژوهش.

الگوهای مورد استفاده در رویکرد ترکیبی

هرچند رویکرد ترکیبی رواج یافته است ولی شرایط بالقوه آن هنوز به درستی شناخته نشده است. بسیاری از محققان، رویکردهای کمی و کیفی را به شیوه‌های نامناسب ترکیب می‌کنند. کرسول (۱۹۹۶) چهار الگو را برای کاربرد در پژوهش‌های تربیتی ارائه دارند. این چهار الگو عبارتند از:

الگوی اول: یکی از کاربردهای این الگو، به بدیع بودن موضوع و نداشتن ابزار بر می‌گردد. محقق با استفاده از مطالعه کیفی به ساخت ابزار می‌پردازد.

الگوی دوم: ابتدا تحقیق کمی صورت می‌گیرد و سپس جهت اطمینان بیشتر یافته‌های کمی، مطالعه کیفی صورت می‌گیرد.

الگوی سوم: ابتدا شیوه کیفی انجام می‌شود و سپس به منظور تفصیل داده‌ها از روش کمی پژوهش استفاده می‌شود.

الگوی چهارم: پژوهش کمی و کیفی به صورت همزمان و در کنار یکدیگر و از مسیرهای خاص خود پیش می‌رود (نصر و شریفیان، ۱۳۸۶).

در همین راستا، کرسول (۲۰۰۳) سه طرح تحقیق ترکیبی را معرفی نمود:

۱- طرح‌های تحقیق آمیخته بهم تنیده: پژوهشگر به هر دو مجموعه داده‌های کمی و کیفی وزن مساوی می‌دهد.

۲- طرح‌های تحقیق آمیخته تشریحی: پژوهشگر به منظور تشریح یک پدیده، وزن اصلی را به داده‌های کمی می‌دهد.

۳- طرح‌های تحقیق آمیخته اکتشافی: پژوهشگر درصدد زمینه‌یابی درباره موقعیت نامعین می‌باشد. برای این منظور ابتدا به جمع‌آوری داده‌های کیفی می‌پردازد (بازرگان، ۱۳۸۷).

چالش‌های موجود و فرصت‌ها

نخستین چالش: محققان اعتقاد دارند چالشی که رویکردی ترکیبی با آن درگیر است است تمرکز بر اثبات‌گرایی و تحقیق کمی است (طرح‌های تشریحی) (هسه بیبر، ۲۰۱۰). در همین راستا کرسول (۲۰۰۳) اظهار می‌دارد که طرح ترکیبی رایج، طرحی است که از آن برای سه سوسازی^۲ (کمی + کیفی) استفاده می‌کنند، بدین معنی که

۱. Hesse- Biber

۲. Triangulation

تحقیق کیفی به منظور اعتباربخشی به یافته‌های آماری حاصل از رویکرد کمی به کار می‌رود، رویکردی که تفکر غالب در آن، تفکر اثبات‌گرایی است. برانون^۱ (۲۰۰۵) نیز بیان می‌کند که طرح‌های ترکیبی کنونی، رویکرد کیفی را به عنوان رویکرد ثانویه در نظر می‌گیرند و یک تحقیق کیفی کوچک در ادامه یک کار پیمایشی عظیم انجام می‌شود (۱۸۴). بال^۲ و میلن^۳ (۲۰۰۷) نیز به این امر اشاره دارند که در تحقیقات بازاریابی بیشتر پژوهش‌ها جهت‌گیری اثبات‌گرایانه داشته و رویکرد کیفی نقش حمایتی را بر عهده دارد.

چارچوب تحولی: تبدیل چالش به فرصت

با توجه به چالش مطرح شده یعنی کمبود استفاده از رویکرد تفسیرگرایی در رویکرد ترکیبی، دانشمندان درصدد هستند تا با مطرح کردن نوع مسائل اجتماعی روز، لزوم توجه به رویکرد کیفی در چارچوب تحقیقات ترکیبی را نشان دهند. دنزین^۴ و لینکولن (۲۰۰۵) در مورد مسائل اجتماعی روز صحبت می‌کنند، مسائلی مانند فقر، بیماری، جنگ و قدرت نابرابر. آنان بیان می‌کنند که ارزش‌ها جزء لاینفک تمامی تحقیقات هستند و اهداف تحقیق باید در راستای عدالت اجتماعی و مدنظر قرار دادن شرایط انسانی در جوامع باشند. تحقیقات اجتماعی از طرفی نیاز به مدنظر قرار دادن این موارد دارند و از طرف دیگر، باید نقش مهم محققان را در شناخت این مسائل در نظر داشته باشند. در حقیقت، روش تحقیق باید متناسب با این جوامع در نظر گرفته شود. تمامی رویکردهای تحقیقی باید در راستای شناخت عمیق موارد فوق قرار گیرد و رویکرد ترکیبی هم که مورد توجه روزافزون قرار گرفته است نیز باید از همین قاعده پیروی کند و از روش‌هایی سود جوید که پژوهش را به سمت و سوی زوایای روشن‌تر سوق دهد (سویتمن^۵، ۲۰۱۰). مطالب بالا بدین معنی است که تحقیقات ترکیبی به اندازه کافی به جنبه تفسیری نمی‌پردازند و به فهم عمیقی از شرکت‌کنندگان تحقیق و زمینه مورد پژوهش نمی‌رسند. اخیراً تحقیقات آموزشی روی

3. Brannon

2. Bahl

5. Milen

4. Denzin

1. Sweetman

پیوستاری قرار گرفته‌اند که از اثبات‌گرایی فاصله گرفته و به تفسیرگرایی نزدیک می‌شود (آنوگ بوزی^۱ و لیچ^۲، ۲۰۰۵: ۳۸۷).

مطالب فوق زمینه‌ای را برای رویکرد ترکیبی کیفی مدار فراهم می‌کند. رویکرد ترکیبی کیفی مدار راه‌هایی ارائه می‌دهد که از طریق آن، تعامل با پدیده مورد نظر و با توجه به زمینه آن پدیده صورت می‌گیرد (گرین^۳، ۲۰۰۷). ماسون^۴ (۲۰۰۶) اظهار می‌دارد که در این تحقیقات باید دو مرحله خرد و کلان را در نظر گرفت. در مرحله خرد پدیده مورد نظر مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در مرحله کلان پدیده مورد نظر با توجه به زمینه‌اش لحاظ می‌شود. هال^۵ و رایان^۶ (۲۰۱۱) اعتقاد دارند که مطالعه موردی بهترین حالت برای ترکیبی کیفی مدار می‌باشد زیرا در مطالعه موردی، درگیری مدنظر با تجارب و پیچیدگی‌های زمینه در سطوح مختلف حاصل می‌شود. جکسون^۷ (۲۰۰۶: ۱۰۳) اعتقاد دارد که مطالعه موردی از انعطاف‌پذیری روشی برخوردار است. مطالعات موردی همچنین ابزاری برای ارتقای مهارت‌های محققان به منظور تبیین مسائل اجتماعی در مطالعات ترکیبی فراهم می‌کند (ماسون، ۲۰۰۶: ۲۵).

در تأیید مطالب بالا که به رویکرد ترکیبی کیفی مدار با استفاده از مطالعه موردی می‌پردازد، هسه بیبر (۲۰۱۰) در مطالعه خود تحت عنوان "رویکرد کیفی در تحقیقات ترکیبی" به بررسی تحقیقاتی می‌پردازد که از چارچوب ترکیبی کیفی مدار در بستر مطالعه موردی سود جسته‌اند و عنوان می‌کند که نتیجه بررسی او حاکی از هم‌افزا بودن این روش در جهت روشن شدن مطلب است. وی موارد زیر را از مزیت‌های این روش می‌داند:

- استفاده از رویکرد کمی به منظور دستیابی به نمونه‌ای معرف با هدف افزایش تعمیم‌پذیری یافته‌های کیفی.
 - استفاده از رویکرد کمی به منظور تبیین جمعیت مورد علاقه‌ای که پیش‌بینی نشده است. مثالی از این امر هنگامی است که یافته‌های تحقیق کمی، زیرگروه‌هایی از داده‌های پرت را نشان دهد که نیاز به تحقیق عمیق‌تری داشته باشد زیرا این گروه‌ها اطلاعات پیش‌بینی نشده‌ای را در اختیار قرار می‌دهند.

1. Onwuegbuzi
3. Leech
4. Greene
5. Mason
5. Hall
7. Ryan
8. Jackson

- افزایش اعتبار و پایایی یافته‌های تحقیق.

- استفاده از تحقیق کمی به منظور آزمایش اعتبار یافته‌های تحقیق کیفی در جامعه‌ای وسیع‌تر.

نمونه‌ای از تحقیق انجام گرفته با استفاده از این روش تحقیقی است که هال و رایان (۲۰۱۱) تحت عنوان "پاسخگویی آموزشی: یک مطالعه ترکیبی کیفی مدار" انجام داده‌اند و عنوان کرده‌اند که این رویکرد مناسب‌ترین رویکرد ممکن به منظور تحقیق در حیطه‌های کمی مانند پاسخگویی آموزشی است (ص ۱۱۵).

چالش دوم: در ادامه بررسی چالش‌های رویکرد ترکیبی رایج، برایمن^۱ (۲۰۰۶): ۱۱۳ با استناد به نتایج تحقیق تحلیل محتوای خود در حیطه تحقیقات ترکیبی، باز هم به سلطه‌گری تحقیقات کمی و کمبود تحقیقات ترکیبی با استفاده از الگوی همزمان^۲ (طرح‌های تحقیق آمیخته بهم تنیده) اشاره می‌کند. در ادبیات رویکرد ترکیبی، مسئله الگوی همزمان این دو رویکرد مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است. در طرح‌های ترکیبی متوالی، محققان داده‌های کمی و کیفی را در دو مرحله جمع‌آوری می‌کنند و سپس با استفاده از روش‌های ترکیبی رایج سعی در برقراری ارتباط میان دو مرحله از مطالعه را دارند (گرین^۳ و کاراسلی^۴، ۱۹۹۷). بالعکس، در طرح‌های همزمان محققان داده‌های کمی و کیفی را در یک مرحله جمع‌آوری، تجزیه، تحلیل و ترکیب می‌کنند تا به اطلاعات تکمیلی دست یابند (تدلی و تشکری، ۲۰۰۹). دانشمندان از روش‌های ادغام مختلفی در طرح همزمان استفاده کرده و چالش‌های ادغام این دو رویکرد را آزمایش کرده‌اند (کرسول، ۲۰۰۸). علی‌رغم ۲۰ سال تحقیق پیرامون رویکرد ترکیبی، اوکاتین^۵ (۲۰۰۷: ۱۴۷) اخیراً به این امر اشاره کرده که هنوز هم رویکردهای نامناسب ادغام در چارچوب رویکرد همزمان دیده می‌شود و اشاره می‌کنند که محققان روش‌های کمی و کیفی را به شکلی نامناسب ترکیب می‌کنند. بعضی نویسندگان اعتقاد دارند که کمبود متون علمی در این حیطه می‌تواند ایجاد کننده این مشکل باشد (گرین، ۲۰۰۷). برایمن اعتقاد دارد که کمبود مثال‌های عملی از چگونگی استفاده از این الگو، مشکل اصلی محققان برای استفاده از آن است.

1. Bryman
2. Concurrent
3. Green
4. Caracelli
1. Ocathian

استراتژی‌های ترکیبی: راهبردی برای تبدیل چالش موجود به فرصت

کرسول (۲۰۰۷) سه استراتژی را به منظور ترکیب دو رویکرد کمی و کیفی را در طرح همزمان در نظر می‌گیرد:

۱- پیوند در بحث و نتیجه‌گیری: ساده‌ترین استراتژی ترکیب این دو رویکرد، ارائه و تفسیر نتایج این دو رویکرد به صورت نوشتاری در قسمت بحث و نتیجه‌گیری است. بررسی مطالعات انجام شده توسط رویکرد ترکیبی نشان می‌دهد که این روش یکی از رایج‌ترین شیوه‌های ترکیب است (پلانوکلاک، ۲۰۰۸: ۱۵۴۸).

۲- پیوند از طریق ماتریس: دومین استراتژی از طریق نشانگرهای تصویری است، به خصوص با استفاده از ماتریس‌ها. استفاده از ماتریس‌ها در تحقیقات، موضوع جدیدی نیست. محققان از جداول توافقی برای نشان دادن داده‌های کمی استفاده می‌کنند. بنابراین ماتریس‌ها نقش عمده‌ای را در نمایش اطلاعات کیفی برعهده دارند (مایلز و هوبرمن، ۱۹۹۴). استفاده از ماتریس در رویکرد ترکیبی نیز توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است (اوکاتین، ۲۰۰۷).

۳- پیوند از طریق تحول داده‌ها: تحول داده‌ها فرایند کمی کردن داده‌های کیفی و کیفی کردن داده‌های کمی است. هدف از تحول داده‌ها دستیابی به دو مجموعه از داده‌هاست که قابلیت مقایسه بیشتری را دارا هستند.

استراتژی‌های ادغام، تکنیک‌ها و نمونه سئوالات

پلانوکلاک (۲۰۱۰) تحقیقی را تحت عنوان "کاربرد سه استراتژی ادغام در چارچوب رویکرد همزمان ترکیبی به منظور مطالعه یک برنامه آموزشی غیرستستی" انجام دادند. در زیر به استراتژی‌های ادغام در طرح همزمان و تکنیک‌های آن با استفاده از تحقیق انجام شده و نمونه سئوالاتی از برنامه آموزشی مورد ارزیابی می‌پردازیم. استراتژی‌های ادغام ترکیب در بحث و نتیجه‌گیری، سه مورد زیر می‌باشند:

- مقایسه یافته‌ها روش به روش به منظور مؤید بودن،

مثال: تا چه میزان یافته‌های تحقیق کمی پیرامون درجه سودمندی مشارکت در برنامه، یافته‌های تحقیق کیفی در این مورد را تأیید می‌کند؟

- ارائه تصویر روشن از داده‌ها با استفاده از دو مجموعه تکمیلی از یافته‌ها،

مثال: آیا توصیف‌های کیفی از تأثیر میزان مشارکت بر عملکرد، تکمیل‌کننده یافته‌های کمی است؟

- شناسایی اختلاف عقیده‌ها و رویکردهای جایگزین،

مثال: از چه طرقی یافته‌های کیفی در مورد جنبه‌های منفی برنامه مشارکت، رویکردهای جایگزینی را برای یافته‌های کمی مثبت ارائه می‌دهد؟
استراتژی‌های ادغام از طریق ماتریس، شامل موارد زیر است:

- کشف تفاوت‌ها در داده‌های کیفی بر پایه دسته‌بندی‌های کمی: چگونه اظهارنظرهای خانم‌های شرکت‌کننده در برنامه در مورد اعتماد به نفس از اظهارنظرهای آقایان شرکت‌کننده متفاوت است؟

- آزمایش تفاوت‌ها در یافته‌های کیفی بر اساس تفاوت‌های آماری در متغیرهای متوالی: از چه طرقی ادراکات شرکت‌کنندگان از سودمندی مشارکت، نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار میان رشته‌های متفاوت است؟

- آزمایش تفاوت‌ها در یافته‌های کمی بر اساس تحقیق کیفی: چگونه تأثیر مشارکت بر اساس جنبه‌های منفی تجربه شده در میان مشارکت‌کنندگان متفاوت است؟ (جنبه‌های منفی که در مطالعه کیفی بدست آمده است).

استراتژی‌های ادغام از طریق تحول داده‌ها شامل موارد زیر است:

- ارائه متغیرهای کمی بر اساس یافته‌های کیفی به منظور بررسی ارتباط با سایر متغیرها؛

مثال: چه متغیرهایی نشان‌دهنده میزان جنبه‌های منفی تجربه شده افراد در برنامه هستند؟ این متغیرها چگونه با متغیرهای دیگر مرتبط می‌شوند؟

- یکپارچه کردن متغیرهای کمی و کیفی به منظور ارائه متغیرهای معتبرتر در تجزیه و تحلیل آماری؛

مثال: بر اساس یافته‌های کمی و کیفی چه نشانگری به بهترین صورت میزان علاقه افراد به شرکت در برنامه‌های آینده را می‌سنجد؟ این نشانگر چه ارتباطی با سایر نشانگرها دارد؟

بحث و نتیجه‌گیری

در دو دهه گذشته علاوه بر پارادیم مرسوم تحقیق مبتنی بر اصالت اثبات‌گرایی، استفاده از پارادایم‌های دیگر مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که در حال حاضر برای شناسایی مسائل و مشکلات سیستم‌های اجتماعی، رفتاری و آموزشی استفاده از رویکردهای ترکیبی از اهمیت زیادی برخوردار شده است. زیرا با وجود ماهیت پیچیده پدیده‌ها نمی‌توان فقط به استفاده از یک روش اکتفا نمود. رویکرد ترکیبی به عنوان جایگزینی برای رویکردهای کمی و کیفی جای خود را در عرصه پژوهش یافته است. در این راستا، صاحب‌نظران، طرح‌ها و الگوهای را به منظور چگونگی ترکیب ارائه داده‌اند. آنچه مسلم است لزوم استفاده از این رویکرد به منظور فهم بهتر مسائل مورد پژوهش در علوم انسانی می‌باشد. بعضی از حیطه‌های پژوهش مانند تحقیقات تربیتی و مدیریتی به دلیل پیچیدگی‌های ذاتی و محیطی بیشتر از سایر حیطه‌ها نیازمند استفاده از این رویکرد هستند، ولی باید جانب احتیاط را در چگونگی کاربرد رویکرد ترکیبی متناسب با ماهیت پژوهش در نظر گرفت. آنچه که در چارچوب رویکرد ترکیبی در مورد آن بحث زیادی می‌شود، فاصله گرفتن از اثبات‌گرایی در این چارچوب می‌باشد. بحث رایج در مطالعات ترکیبی بحث چارچوب تحولی است، چارچوبی که محققان را به مطالعه پدیده‌ها در زمینه آن و به طور عمیق در بستر رویکرد ترکیبی ترغیب می‌کند. رویکرد ترکیبی کیفی مدار، رویکرد تازه اوج گرفته مورد نظر صاحب‌نظران است و تحقیقات مختلف، سودمندی آن را نشان داده‌اند. مورد دیگر، راهبردهای ادغام در رویکرد همزمان است که نتایج تحقیقات نشان می‌دهد استفاده از این راهبردها به روشن شدن مطلب یاری می‌رساند. به طور کلی صاحب‌نظران به طور مداوم در پی رهیافت‌هایی به منظور انجام پژوهش‌ها به بهترین شکل ممکن و شناخت هر چه بیشتر پیچیدگی‌های مسائل علوم انسانی هستند. در نتیجه، شایسته است که محققان کشور ما هم این راهبردها را مد نظر داشته و از آنها سود جویند. رویکرد ترکیبی به لحاظ فلسفی از روش پراگماتیسمی بهره می‌گیرد، منطق تحقیق در این روش بر استفاده از قیاس و استقراس، همچنین رویکرد ترکیبی، جامع، تکرگرا و کامل‌کننده است و به محقق این امکان را می‌دهد که با توجه به موضوع تحقیق خود روش مناسب را برگزیند.

استفاده از روش تحقیق ترکیبی به معنی کم اهمیت جلوه دادن روش‌های کمی و کیفی نیست، بلکه بر عکس بر اساس این روش هر دو رهیافت مهم و مفید تلقی می‌شود. هر کدام از روش‌های کمی و کیفی دارای محاسن و معایبی است و هدف

روش ترکیبی استفاده از محاسن و رفع معایب است. البته باید توجه داشت که تغییر نگرش نسبت به روش کمی گرا نباید به گونه‌ای باشد که به طور کلی آن را نفی نماید و بررسی و ارائه توانایی‌ها و قابلیت‌های روش کیفی هم نباید به صورت اغراق‌آمیز بیان گردد. این روش‌ها، با توجه به مقتضای زمانی آشکار، تعدیل شده‌اند، لذا گذر از کمی‌گرایی به کیفی‌گرایی چندان هم آسان به نظر نمی‌آید. اکنون که در کشور ما کمی‌گرایی و تسلط نگرش عددی بر پژوهش‌های علوم انسانی و رفتاری به گونه‌ای است که به نظر عده‌ای، دستیابی به دانش را اساساً به بهره‌گیری از روش‌های کمی امکان‌پذیر می‌دانند و روش‌های کیفی را مورد غفلت قرار داده‌اند، ابتدا باید جامعه پژوهش کشور را هم در سطح آموزش روش‌های پژوهشی و هم در سطح اجرا و ارزشیابی آنها به مبانی روش‌شناسی پژوهش آشنا نمود.



منابع

- امزبان، محمد (۱۳۸۷). روش تحقیق علوم اجتماعی از اثبات‌گرایی تا هنجارگرایی، ترجمه عبدالقادر سواری، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۶). تکنیک زاویه‌بندی در تحقیقات علوم انسانی. روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۲، ۲۶.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۸). روش تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای مطالعات مدیریت. دانش مدیریت. شماره ۸۱، ۱۹-۳۶.
- بدری، رحیم (۱۳۸۶). هرمنوتیک به عنوان یک روش پژوهش تربیتی. روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۰، ۱۰۴.
- حسینی، محمد حسین (۱۳۸۹). درآمدی به روش‌شناسی تلفیقی در پژوهش‌های میان رشته‌ای علوم اجتماعی، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۴، ۱۳۷-۱۵۳.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر پژوهش‌های کیفی؛ چالش‌ها و راهکارها. روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۰، ص ۱۲۵.
- شریفیان، فریدون (۱۳۸۷). نوع‌شناسی و فرایند طراحی و اجرای پژوهش ترکیبی. روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۱۴، ۵۷، ۱۰۳-۷۵.
- صدوقی، مجید (۱۳۸۶). کنکاش در مبانی فلسفی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۲، ۸۸.
- صدوقی، مجید (۱۳۸۷). معیارهای ویژه ارزیابی پژوهش کیفی، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۵۶، ۵۵.
- عابدی، احمد، شواخی، علی رضا (۱۳۸۸). مقایسه روش‌شناسی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۴، ۱۵۳-۱۶۸.
- عابدی، علی (۱۳۸۵). تحقیقات کیفی، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۴۷، ۶۲.
- نصر، احمدرضا و شریفیان، فریدون (۱۳۸۶). رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی در پژوهش‌های تربیتی. روش‌شناسی علوم انسانی. شماره ۵۲. ۷-۲۴.

- Bahl, S., & Milne, G.R (2007). Mixed method in interpretative research: An application to the study of the self concept. *Haandbook of Qualitative Research Methods in Marketing*.
- Bergman, Max (2010). On concept and paradigm in mixed method research. *Journal of Mixed Method Research*. 4(3), 171- 175.

- Brannon (2005). Mixing method: The entry of qualitative and quantitative approaches into the research process. *International Journal of Social Research Methodology*, 8, 173-184 .
- Bryman, A. (2006). Integrating quantitative and qualitative research, *Qualitative Research*. 6 (1):97-113.
- Creswell, J. W (2003). *Advanced mixed method research designs*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Creswell, J. W (2007). *Designing and conducting mixed method research*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Creswell, J. W (2008). Methodological issues in conducting mixed method research designs. In *advances In mixed method research: Theories and applications*, ed. M. M. Bergman, 66-83. London: Sage.
- Denzin, N. K & Lincoln, Y. S (2005). *The Sage handbook of qualitative research*. Thousand Oak, CA: Sage.
- Green, J. C., and V. J. Caracelli, eds (1997). *Advances in mixed method evaluation: The challenges and benefits of integrating diverse paradigms*. New directions for evaluation, No74. San Francisco: Jossey-Bass.
- Greene, J. C (2007). *Mixed method in social inquiry*. San Francisco. Jossey-Bass.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S (2005). Paradigmatic controversies. Contradictions and emerging confluence. *The Sage Handbook of Qualitative Research*. Thousand Oaks, CA: SAGE.
- Hall, Jori. N. Ryan, Katherine, E (2011). Educational accountability: A qualitatively driven mixed methods approach. *Qualitative Inquiry*, 17 (1) 105-115.
- Hesse-Biber, Sharlence (2010). Qualitative Approaches to mixed method practice. *Qualitative Inquiry*, 16 (6) 455-468.
- Howe, K. R (2004). A critique of experimentalism. *Qualitative Inquiry*, 10 (4):42-61.
- Jackson, D (2006). Case study: A bridge across the paradigms. *Nursing Inquiry*, 12 (2), 103-109.
- Johnson, R. B., & Onwuegbuzie, A. (2004). Mixed method research: research paradigm whose time has come. *Educational Researcher*. 33 (7), 14-26.
- Mason, G (2006). Mixing method in a qualitatively driven way. *Qualitative Research*, 6 (1):9-25.
- Miles. M. B. and A. M. Huberman (1994). *Qualitative and analysis*. 2nd ed. Thousand Oak, CA: Sage.
- Morgan, D. L (2007). Paradigms lost and pragmatism regained: Methodological implications of combining qualitative and quantitative methods. *Journal of Mixed Method Research*, 1 (1), 48-76.

- Ocathian, A. (2007). Integration and publications as indicators of “yield” from mixed method studies. *Journal of Mixed Method Research* 1, (2):147-63.
- Onwuegbuzie, A. J, & Leech, N. L (2005). The importance of combining qualitative and quantitative research methodologies. *International Journal of Social research Methodology*, 8,375-387.
- Plano Clark, V. L (2005). *Cross-disciplinary analysis of the use of mixed method in physics education research* (Unpublished doctoral dissertation), University of Nebraska-Lincoln.
- Plano Clark, V. L (2008). Mixed method approaches in family science research. *Journal of Family Issues*, 29, 1543-1566.
- Sweetman, D., Badiee, M., Creswell, W (2010). *Use of the transformative framework in mixed method studies*. CA: Sage.
- Tashakkori, T. & Teddlie. C (1998). *Mixed Methodology, Combining Qualitative and Quantitative Approaches*. CA: Sage.
- Teddlie, C., A. Tashakkori (2009). *Foundations of mixed method research*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Thorpe, R. & Holt, R (2008). *The SAGE dictionary of qualitative research*, London: sage, 133-136.

